

Explanation of Contractual Balance as the Principle of Fairness, Good Faith and Good Ethics in Contract Law

S.H. Mahdi Al-Nasiri ¹, S. Jafarzadeh Ph.D. ^{2*}, M. H. Javadi Ph.D. ²

1. Ph.D. Student, Department of Private Law, Faculty of Literature and Human Science, Urmia University, Iran.
2. Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Human Science, Urmia University, Iran.

Abstract

Background: The concept of "contractual balance" seeks to instill the need for balance between the parties to a contract in contract law with the aim of protecting the weak side of the contract and social benefit. And he wants to establish a guarantee for the execution of termination or amendment by the judge for the inequality of the obligations of the parties of a contract. Considering the importance of this topic, the present research has explained the contractual balance as the principle of fairness, good faith and good ethics in contract law.

Conclusion: Moral principles are fundamental values that are based on the norms and values accepted by the majority of society. The effectiveness of the contract economy is to a large extent subject to the manifestation of ethical behavior, because ethical behaviors are internal guarantees that by creating trust, preventing opportunism, and commitment to commitment, reduce transaction costs, contract efficiency, and overall well-being. Despite the requirements of the principle of freedom of contract, contracts are concluded out of unequal necessity. And the government has the duty to support the weak side of the contract by enacting special and mandatory laws or applying special conditions, as well as guaranteeing proper implementation to deal with unfair and unjust conditions, such as the rescission of the contract and annulment of the conditions, while maintaining the contractual balance. Among the most important ethical solutions for creating and maintaining contractual balance, we can mention informed consent and providing information, good faith as an information obligation to the other party of the contract, prohibition of imposed conditions, prohibition of exclusionary conditions, and prohibition of unfair conditions.

Keywords: Contractual balance, International commercial contracts, Renegotiation, Good faith, Good ethics

***Corresponding Author:** S. Jafarzadeh Ph.D., Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Human Science, Urmia University, Iran. Email: siamakjafarzadeh@gmail.com

How to cite: Mahdi Al-Nasiri SH, Jafarzadeh S, Javadi MH. Explanation of contractual balance as the principle of fairness, good faith and good ethics in contract law. Ethics in Science and Technology. 2025;20(3): 45-52.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

تبیین تعادل قراردادی به مثابه اصل انصاف، حسن نیت و اخلاق حسنه در حقوق قراردادها

سیف حوم مهدی النصیری^۱، دکتر سیامک جعفرزاده^{۲*}، دکتر محمدحسن جوادی^۳
 ۱. دانش آموخته دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ایران.
 ۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ایران.
 (تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴)

چکیده

زمینه: مفهوم «تعادل قراردادی» در صدد القای لزوم تعادل بین عوضین یک قرارداد معوض در حقوق قراردادها با هدف حمایت از طرف ضعیف قرارداد و نفع اجتماعی است و می‌خواهد برای نابرابری تعهدات طرفین یک قرارداد، ضمانت اجرای فسخ یا تعدیل توسط قاضی را مقرر کند. با توجه به اهمیت این موضوع پژوهش حاضر به تبیین تعادل قراردادی به مثابه اصل انصاف، حسن نیت و اخلاق حسنه در حقوق قراردادها پرداخته است.

نتیجه گیری: اصول اخلاقی ارزش های بنیادینی هستند که بر پایه هنجارها و ارزش های مورد قبول اکثریت جامعه بنا نهاده می شوند. کارایی اقتصاد قرارداد تا حد زیادی تابع نمود رفتار اخلاقی است چرا که رفتارهای اخلاقی تضمین های درونی هستند که با ایجاد اعتماد، جلوگیری از فرصت طلبی و التزام به تعهد موجب کاهش هزینه مبادله، کارایی قرارداد و رفاه کل می شود. علی‌رغم مقتضای اصل آزادی قراردادی، قراردادها به ضرورت نابرابر منعقد می‌گردد و دولت وظیفه دارد با وضع قوانین خاص و امری و یا اعمال شروطی خاص و همچنین ضمانت اجرای مناسب برای مقابله با شروط غیرمنصفانه و ناعادلانه، همچون قابل فسخ بودن قرارداد و ابطال شروط، ضمن حفظ تعادل قراردادی، از طرف ضعیف قرارداد حمایت کند. از مهم ترین راهکارهای اخلاقی ایجاد و حفظ تعادل قراردادی می توان به رضایت آگاهانه و ارائه اطلاعات، حسن نیت به عنوان یک تعهد اطلاعاتی در مقابل طرف دیگر قرارداد، منع شروط تحمیلی، منع شروط مستثنی کننده و منع شروط غیرمنصفانه اشاره کرد.

کلیدواژگان: تعادل قراردادی، قراردادهای تجاری بین الملل، مذاکره مجدد، حسن نیت، اخلاق حسنه.

سرآغاز

اجراهایی خاص در قبال شرط های که به طور غیر منصفانه بر قرار داد بار شده همانند فسخ پذیر بودن قرارداد و باطل گردیدن شروط، علی‌رغم تضمین تعادل قرار دادی به حمایت از طرفی که در قرارداد با وی به عدالت برخورد نشده پیرازد. از این رو در پژوهش حاضر پژوهشگران به تبیین تعادل قراردادی به مثابه اصل انصاف^۵، حسن نیت و اخلاق حسنه^۶ در حقوق قراردادها پرداخته اند .

بحث

تعادل قراردادی به مثابه اصل انصاف، حسن نیت و اخلاق حسنه

در عصر حاضر شرایط اجتماعی^۱ و اقتصادی^۲ باعث شده که قواعد جاری در حقوق قراردادی با تغییراتی روبرو شود. بر هم خوردن تعادل قراردادی از آن دسته است . در جوامع دارای طبقات مختلف که عدالت^۳ به خوبی برقرار نشده است، وجود طبقاتی که از قدرت والاتر برخوردار بوده و با در اختیار داشتن منابع در بعد اقتصادی و بینش علمی، جایگاه قراردادی اشخاص را در قرار داد دگرگون ساخته و باعث انعقاد قراردادهایی شده که ، عادلانه و منصفانه نمی باشد و با تضییع حقوق طرفی که از شرایط برابر در قرار داد بهره مند نمی باشد همراه است. بنابراین دولت موظف است در جهت تحقق عدالت توزیعی^۴ و از طریق پیش بینی قوانین و مقررات آمرانه و اساسی و یا تعیین شرایط ویژه و یا از طریق تعیین ضمانت

ج- مطابق انتظارات قراردادی جامعه باشد: در واقع این رکن، یک رکن نظری است که بر اساس آن قراردادهای ساختاری پیچیده دارند که به آسانی در دسترس مردم قرار گرفته و آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند بدون اینکه نیازی به قالب خاص نظری برای آن باشد.

د- مانعی جهت اجرای آن وجود نداشته باشد یا به عبارت شفاف‌تر اجرای آسان: قراردادهای منصفانه، داوطلبانه و مقبول اجتماع بسیاری وجود دارد که کماکان توسط دادگاه‌ها اجرا نمی‌گردند و دلیل آن غیرقابل اجرا بودن آنهاست. عملکرد کارای نهادهای حقوقی نیازمند وجود قواعدی است که تعهداتی که قانونی نیستند را اجرا نکرده یا برای آن‌ها ضمانت اجرا تدارک نبیند.

دو رکن اول متغیر هستند و ارکان سوم و چهارم همیشگی و ثابت و مستقل از سایر ارکان وقتی که آنها را ثابت می‌دانیم بدین معنی است که نسبت به تمام قراردادهای به یک صورت اعمال می‌شوند. ارکان داوطلبانه و منصفانه بودن متغیر هستند و شاید برخی فکر کنند که نتیجه این دو رکن، مساوی با تعادل در قرارداد خواهد بود. اما جایی که داوطلبانه بودن کاهش پیدا می‌کند در نتیجه به همان نسبت عنصر انصاف باید برای جبران این کاهش، افزایش پیدا کند و چنانچه داوطلبانه بودن افزایش پیدا می‌کند نیاز به بررسی انصاف در قرارداد کاهش پیدا می‌کند (۳).

هرچند این معادله را نمی‌توان به عنوان تنها معیار سنجش تعادل در قرارداد در نظر گرفت اما باید گفت که اختلال زیاد بین این دو عامل می‌تواند منجر به عدم تعادل فاحش در قرارداد شود. سایر عناصر تعادل قراردادی که به صورت غیرمستقیم در تعادل قرارداد نقش دارند (و مربوط به غیرمنصفانه بودن قرارداد که منجر به عدم تعادل قراردادی می‌شود) را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول، عناصر غیرمنصفانه بودن شکلی قرارداد را تشکیل می‌دهند و شامل حجم تشکیلاتی یک طرف در مقابل دیگری، اضطراب و ضرورت، در اختیار داشتن منابع بیشتر، مزیت تهدید، مذاکره‌ای نبودن شروط، اعمال نفوذ ناروا، عدم دریافت مشاوره مستقل و فقدان حق انتخاب می‌گردد و دسته دوم که عناصر غیرمنصفانه بودن ماهوی هستند و عبارتند از تعادل دو عوض، بررسی و حدود تعادل آن، میزان سودمندی قرارداد و دشواری اجرای شروط قراردادی. (۴).

همچنین گاهی منظور از تعادل قراردادی^{۱۲}، به تعادل اقتصادی^{۱۳} قرارداد اشاره دارد، به گونه‌ای که در قراردادهای معوض به خصوص بیع، توازن مالی بین دو عوض دگرگون می‌شود. بعضی مواقع حوادث غیرمنتظره باعث به هم خوردن تعادل و توازن اقتصادی قراردادی می‌شود، به طوری که اجرای کامل مفاد قرارداد باعث به دست آمدن سود کلان برای یک طرف و ورشکستگی طرف دیگر می‌شود (۵).

که در این صورت باید راهکارهایی موجود باشد تا تعادل و موازنه به قرارداد بازگردد. اصولاً تغییر اوضاع و احوال قرارداد، دو اثر دارد: یا اجرای قرارداد را دشوار و پرهزینه می‌سازد و یا این که آن را غیرممکن می‌سازد (۶).

در نگاه سنتی اقتصاد، با توجه به حق آزادی افراد آنها حق دارند آزادانه ترجیحات خود را پیش ببرند که با نظریه مطلوبیت و انتخاب عقلانی به عنوان عناصر کلیدی اقتصاد همخوانی دارد. مفهوم قرار داد معتبر در تحلیلی اقتصادی، علاوه بر اعتبار حقوقی در بر دارنده مفاهیمی چون برابری، عدالت، انصاف، حسن نیت و سایر اخلاقیات حسنه است که در صورت رعایت آنها، ثبات و قطعیت قرارداد تضمین خواهد شد. (۱). این امر نشان می‌دهد که قانون به تنهایی برای تضمین عملکرد قراردادهای کافی نیست زیرا قانون حوزه محدودتری نسبت به اخلاق است. قانون از نظم و انضباط گسترده‌تر، یعنی اخلاق، استفاده کرده است تا شالوده قانون را تشکیل دهد. اخلاق در مورد معیارهای اخلاقی^{۱۴} است و فلسفه های اخلاقی^{۱۵} معیارهای اخلاقی را توضیح می‌دهند. درک نقش اخلاق کاربردی^{۱۶} در حقوق قراردادهای برای کمک به مدیران لازم است تا درک کنند که اخلاق تجاری^{۱۷} به همان اندازه که قانون تجارت، اهمیت دارد و بخشی جدایی ناپذیر از قراردادهاست. این امر به ویژه در حقوق قراردادهای صادق است. اعتماد^{۱۸} و صداقت از اصول اخلاقی اساسی کلیه عملیات تجاری به ویژه در قراردادهای می‌باشند. (۲).

یکی از مفاهیم اساسی در حقوق قرار دادها که متضمن توجه به اخلاق و عدالت است مفهوم تعادل قراردادی است. یک "قرارداد متعادل" بین دو طرف باید دارای سهام و تعهدات مساوی برای هر دو در تمام مراحل اجرای قرارداد باشد. یک قرارداد نامتعادل، که اختیارات بیشتری را برای یک طرف فراهم می‌کند و گزینه های طرف دیگر را محدود می‌کند، ممکن است در دادگاه قانون کنار گذاشته شود. مفهوم «تعادل قراردادی» که در پی لزوم برابری میان عوضین قرارداد است، به دلیل برخورد آن با اصل حاکمیت اراده و مبانی آن یعنی آزادی اقتصادی و فردگرایی نتوانسته است جایگاه مناسبی در حقوق مرسوم قراردادهای بیابد. این برخورد تنها با اصل حاکمیت اراده نیست، بلکه با اصول تبعی آن یعنی اصل آزادی قراردادی و اصل لزوم قراردادهای هم در تضاد است؛ اصولی که نافی دخالت در محتوای قرارداد به بهانه حفظ و برقراری مجدد تعادل قراردادی است. بنابراین در علم حقوق زمانی یک قرارداد متعادل محسوب می‌شود که حقوق و تعهدات برابری برای هر دو طرف قرارداد تعیین شده باشد، لذا اگر اختیارات بیشتری برای یک طرف در مقابل طرف دیگر قرارداد تعیین شده باشد، قرارداد مزبور از تعادل خارج خواهد شد، لذا در مقابل قراردادهای یکطرفه قرار دارند.

اما اگر بخواهیم با جزییات بیشتری عناصر تعادل قراردادی را بررسی کنیم باید گفت که یک قرارداد الزام‌آور حقوقی زمانی منعقد می‌گردد که به صورت داوطلبانه تعهداتی پذیرفته شود، برای فردی که این تعهدات را می‌پذیرد و طرف مقابل منصفانه باشد، با انتظارات قراردادی جامعه نیز سازگار بوده و برای اجرای آن هیچ مانعی وجود نداشته باشد. در نتیجه می‌توان عناصر مفهومی قرارداد را موارد زیر نامید:

الف- اختیاری بودن: یک تعهد زمانی اختیاری و داوطلبانه است که از روی قصد و اختیار پذیرفته شده باشد.

ب- منصفانه بودن: انصاف نیز یک مفهوم اخلاقی است. که از دوران باستان تا کنون مبنای تحلیل حقوقی قراردادهای قرار گرفته است.

صورت، تعادل و توازن قرارداد مختل می‌گردد که برای بازگرداندن تعادل به قرارداد، بر روش‌های تعدیل قرارداد تاکید شده است که در صورت عدم مذاکره یا عدم حصول نتیجه نیز دادگاه اختیار تعدیل و یا فسخ قرارداد را خواهد داشت (۷). اما امروزه نابرابری در قرارداد کمتر ناشی از عدم تعادل عوضین بلکه غالباً ناشی از تحمیل سیستماتیک شروط یکطرفه و ناعادلانه به یک طرف قرارداد (طرف ضعیف) می‌باشد لذا بخش قابل توجهی از مقررات کنترل‌کننده محتوای قراردادها، مبارزه با شروط ناعادلانه را هدف قرار داده‌اند و لذا تردیدی در ضرورت مداخله دولت در قراردادهای خصوصی جهت کنترل استفاده از شروط غیرمنصفانه وجود ندارد (۸).

برهم خوردن تعادل قراردادی

قرارداد به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین ابزار توزیع ثروت با توجه به نابرابری‌های اقتصادی^{۱۴} یا اجتماعی متعاقدين و موقعیت برتر یک طرف نسبت به طرف دیگر، خصوصاً در قراردادهایی نظیر تولید و مصرف و ارائه خدمات عمومی، اثر مستقیم در مخدوش کردن عدالت توزیعی و معاوضی دارد و به جولانگاه تفوق یک طرف و تحمیل اراده او بر طرف دیگر تبدیل شده است (۹). به این ترتیب اندیشه نظم دادن به قراردادها و نظارت بر محتوای آن‌ها که تحت عنوان اداره قرارداد از آن یاد می‌شود به هدف اولیه، اصلی و اساسی قانونگذاران در زمان حاضر تبدیل شده است. به نحوی که با افزایش روز افزون قوانین خاص راجع به قراردادهای مصرف، اجاره، بیمه و تسهیلات بانکی و حمل و نقل و به طور ویژه در خصوص شروط قراردادی مواجه هستیم تا علاوه بر محدودیت آزادی اراده متعاقدين، بر محتوای توافق آن‌ها که اکنون به صورت قراردادهای نمونه و الحاقی درآمده و حقوق طرف ضعیف را بیش از پیش نادیده گرفته است، نظارت کنند. این قبیل اقدامات و اصلاحات ناشی از این استدلال است که دکتترین آزادی قراردادی در صورت داشتن نتیجه استثمارگرانه نباید به عنوان یک اصل معتبر پذیرفته شود (۱۰). در نتیجه این عقیده، مداخله قانونی حمایت گرایانه دولت را توجیه می‌کند که در غیر این صورت نتیجه ظلم قراردادی و عدم توجه دولت به بهانه منع او از مداخله، تشویق بی‌عدالتی و حمایت از ظالم است. این اندیشه معتقد به نظارت بر محتوای قراردادها و محدودیت اصل آزادی قراردادی است که مبانی آن متکی بر نظریات راجع به اصالت اجتماع و اهمیت دادن به باز توزیع منابع و اراده ظاهری محدود شده در قالب نظم عمومی است. که اصل طرفینی بودن قرارداد و عدالت قراردادی خود به خودی حاصل از معاوضه را افسانه‌ای می‌داند که در زمان حال قابل اعتنا نیست. و لازم است که دولت با وضع مقررات خاص از ناتوان در برابر توانا حمایت و قدرتهای ناموزون را تعدیل کند (۱۱). چون مطلق دیدن حق باعث می‌گردد که صاحبان حق با بهره‌گیری از امتیازی که قانون به آن‌ها داده، حق خود را به زبان دیگری به کاربرند و حتی ممکن است که اقدام ایشان باعث شود که به اهداف و غایات مورد توجه مقنن، تجاوز شود (۱۲).

در نظریه سستی قراردادی، آزادی قراردادی نامحدود بین طرفینی که قدرت چانه‌زنی برابر، مهارت‌های برابر و اطلاعات کامل از شرایط قراردادی و بازاری دارند، منافع فردی را افزایش داده و منجر به تخصیص کارای منابع می‌شوند. این در حالی است که در بسیاری شرایط، برابری‌های فوق وجود ندارد (۱۳). بنگاه‌های تجاری و اقتصادی قدرت و مهارت بیشتری نسبت به مصرف‌کنندگان دارند و لذا مصرف‌کنندگان به حمایت بیشتری نیاز دارند چرا که اطلاعات کمتری دارند، قدرت مالی کمتری دارند و به طور کلی توانایی کمتری در حفظ منافع خود نسبت به بنگاه دارند، در این شرایط حقوق قراردادها باید چنین عدم تقارنی را برطرف سازد (۱۴).

به عبارت دیگر در یک قرارداد عناصر بسیاری وجود دارد که می‌تواند منجر به خدشه به تعادل قرارداد گردد، بدین معنا که باعث شوند حقوق و تعهدات قراردادی به نفع یکی و به ضرر طرف دیگر تنظیم شود و عدالت توزیعی زایل شود. این موضوع منجر به پیدایش «نظریه قراردادی» در حقوق قراردادها در نظام حقوق عرفی گردیده است. یعنی ممکن است در جریان اجرای قرارداد اتفاقات پیش بینی نشده ای واقع گردند که لازم شود مفاد قرارداد تغییر کند و در نتیجه با درخواست‌های جدید دو طرف و یا نیازهای اقتصادی ایشان تعدیل و اصلاح گردد. این موضوع در قراردادهای بین المللی بیشتر مشاهده می‌شود. بعضی مواقع حوادث غیرمنتظره باعث به هم خوردن تعادل و توازن اقتصادی قرارداد می‌شود، به طوری که اجرای کامل مفاد قرارداد باعث به دست آمدن سود کلان برای یک طرف و ورشکستگی طرف دیگر می‌شود. به همین علت طرفین در چنین قراردادهایی ترجیح می‌دهند قبلاً تکلیف این وضعیت را مشخص کنند. بنابراین، در صورتی که شرایط اولیه قرارداد دگرگون شود و تعادل قرارداد دچار اختلال گردد، متعاملین می‌توانند خواهان مذاکره مجدد شوند.

راهکارهای اخلاقی ایجاد تعادل قراردادی

تعادل قراردادی مفهوم وسیعی دارد که هم در مرحله ایجاد قرارداد و هم در مرحله اجرای آن باید این موازنه در حقوق و تعهدات طرفین برقرار باشد به گونه‌ای که به عدالت نزدیک‌تر است. در مرحله ایجاد قرارداد طرف قوی‌تر متعهد باشد که اطلاعات قراردادی که در انعقاد قرارداد از سوی طرف مقابل تأثیرگذار است، در اختیار وی قرار دهد. این الزام باید از سوی قانونگذار تدوین شود و در تمامی عناصری که منجر به عدم تعادل قراردادی می‌گردد، با پیش‌بینی قوانین امری، از عدم تعادل قراردادی جلوگیری کند و ضمانت اجرای مناسبی درجه توزیع عدالت برقرار نماید. تمهیداتی در قوانین بیندیشد که طرف قوی قرارداد را ملزم به ارائه اطلاعاتی که در تصمیم طرف ضعیف قرارداد موثر است، در اختیارش قرار دهد.

دادگاه‌ها وظیفه دارند بر محتوای قراردادها کنترل داشته باشند و در صورت روبرو شدن با شروط ظالمانه، با استفاده از تکنیک‌های مختلف که در نظام‌های حقوقی در اختیار دارند، قراردادها یا شروط ناعادلانه یا غیرمنصفانه را باطل اعلام کنند (۱۵). همچنین از ابزار تفسیر به

قانونی برای آن داشته باشد؛ رضایت جامع، روشن و صریح و بدون ابهام باشد (۱۸). بدین منظور و به خصوص در جهت آزادانه و بر اساس اختیار بودن رضایت طرفین معامله و به خصوص طرف ضعیف قرارداد به اطلاعات خاصی نیاز دارد. پیچیدگی محصولات جدید به طور کلی و محصولات صنعتی به طور خاص، قانونگذاران را وا داشته است. تعهدی مبنی بر ارائه اطلاعات لازم جهت استفاده از این محصولات و نیز امتناع از ارائه اطلاعات ناصحیح بر سازندگان و فروشندگان محصولات مزبور تحمیل کنند (۱۹). این تعهد در حقوق بسیاری از کشورها از جمله حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته است و مبنای آن گاه قراردادی و گاه غیرقراردادی تلقی شده است در فرض اول، سخن از تعهد به دادن اطلاعات به عنوان بخشی از تعهد به تسلیم و یا در قالب تضمین‌های صریح یا ضمنی است و در فرض دوم سخن از مسؤولیت مبتنی بر تقصیر یا مسؤولیت محض فروشندگان و به ویژه سازندگان به حکم قانونگذار است (۱۹). بنابراین، به منظور برخورداری از دانش لازم برای انعقاد توسط مصرف‌کننده، اطلاعاتی که در ایجاد رضایت سالم قراردادی نقش خواهند داشت می‌بایست در اختیار او قرار داده شوند؛ اما حمایت از طرف ضعیف‌تر به همین جا ختم نشده و نظریه ایجاد تعادل قراردادی، با تعهد به دادن اطلاعاتی که در حسن اجرای هر چه بهتر قرارداد نقش ایفا می‌کنند، ادامه می‌یابد (۲۰).

۲. حسن نیت به عنوان یک تعهد اطلاعاتی در مقابل طرف دیگر قرارداد

حسن نیت در مقابل سوءنیت مفهومی است اساساً اخلاقی که امروزه رنگ حقوقی نیز به خود گرفته است (۲۱). حسن نیت در قراردادها در مرحله انعقاد قرارداد و اجرای آن مطرح می‌شود (۲۲). و ایجاب می‌کند که طرفین صداقت داشته باشند و از خدعه و نیرنگ بپرهیزند. در واقع حسن نیت در حمایت از قصد قراردادی متضمن تعهدی است که شخص را از تدلیس، پوشاندن عیب و القای اشتباه در مخاطب منع می‌کند، همچنین ایجاب می‌کند اطلاعات قراردادی به مخاطب تسلیم شود. به عبارتی مقتضای اصل حسن نیت شفاف بودن و اطلاع‌رسانی در دوره پیش قراردادی است. پذیرش اصل حسن نیت در دوهی پیش قراردادی اقتضا می‌کند که طرفین در مرحله گفتگوهای مقدماتی برای رسیدن به هدف مشترک، در نهایت صداقت جدیت و شفافیت با یکدیگر همکاری داشته و به ارائه اطلاعات بپردازند (۲۳). به هر حال اگر اشخاص حسن نیت به معنای گفتار و رفتار صادقانه نداشته باشند، حقوق با ضمانت اجرای فسخ یا بطلان، از شخص دارای حسن نیت حمایت می‌کند. برای مثال اگر فروشنده با نقض تعهد صداقت تدلیس نماید و یا میع معیوب عرضه شود، برای خریدار حق فسخ ایجاد می‌شود. ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ رعایت کمال حسن نیت را لازم می‌داند و بیمه‌گذار را از اظهار کذب نهی می‌کند و ضمانت‌اجرای خدعه و نیرنگ، بطلان عقد بیمه و تعلق حق بیمه به بیمه‌گر است هرچند در فقه و قانون مدنی صراحتاً به این مفهوم اشاره نشده است، لیکن توصیه اشخاص به صداقت، پرهیز از تقلب و تدلیس، بیانگر همین مفهوم حسن نیت در حقوق ایران است در واقع حقوق ما بجای تاکید بر حسن نیت، ضمانت اجرای ضد آن، یعنی

خصوص در قراردادهایی که یک طرف آن از موقعیت قراردادی ضعیف برخوردار است، می‌توان استفاده کرد (۱۶). و در هر مورد که بین حقوق طرفین قرارداد، تعارض منافعی ایجاد گردد، اصل را بر تفسیر به نفع طرف ضعیف بگذارند تا حقوقش در مقابل طرف قوی قرارداد حفظ گردد. به عنوان مثال در قراردادهای اعطای اعتبار بانکی که اعتبار گیرنده بدون مطالعه قرارداد، آن را امضاء می‌کند، قراردادی از پیش تعیین شده که حتی فرصت مطالعه را ندارد و اگر مطالعه کند هم به دلیل تخصصی بودن آن چیزی متوجه نخواهد شد، در این موارد در صورتی که شروطی در قرارداد ذکر شوند که اگر اعتبار گیرنده می‌دانست، قرارداد را امضاء نمی‌کرد، باید گفت توافقی در مورد آن‌ها حاصل نشده است.

با این حال به دلیل کافی نبودن کنترل قضایی، دولت باید در مواجهه با شرایط و واقعیت‌های جدید با تحمیل محدودیت‌های جدید بر آزادی قراردادی در حیطه قراردادهای خصوصی مداخله نماید و با ابزار قانون، مقررات امری در جهت حمایت از طرف ضعیف قرارداد و مقابله با شروط غیر منصفانه و ناعادلانه، تصویب کند. نمونه‌ای از آن‌ها در قوانین کار و قوانین ماجر و مستاجر به چشم می‌خورد.

قواعد حقوق قراردادهای در حقوق فرانسه در سال ۲۰۱۶ اصلاحاتی در آن صورت گرفت نوآوری در تشکیل قرارداد، ماده ۱۱۱۲ آن مقرر می‌کند مذاکرات باید مطابق با الزامات حسن نیت باشد و ماده ۱۱۱۲-۱ وظیفه عمومی برای ارائه اطلاعات (تغییر اطلاعات) را مطرح می‌کند. وظیفه شخص برای اطلاع رسانی به عنوان یک اصل اساسی برای تضمین تعادل در روابط قراردادی توصیف شده است که نشان دهنده دیدگاه اخلاقی در قرارداد است (۱۷).

بنابراین راهکارهای ایجاد تعادل قراردادی عبارتست از:

۱. رضایت آگاهانه و ارائه اطلاعات

یکی از جلوه‌های اساسی وجود توافق میان طرفین آن است. که طرفین با رضایت، به قرارداد تن داده باشند و قصد ایجاد رابطه و تعهد قانونی فی مابین خود داشته باشند. از طرفی قصد انعقاد قرارداد باید آزادانه و با آگاهی کامل از آنچه مورد توافق قرار گرفته است باشد. بر همین اساس دکتترین رضایت آگاهانه^{۱۵} شکل گرفت. دکتترین رضایت آگاهانه را می‌توان خیزشی در راستای اهمیت بخشی و بنیادینه کردن نقش اطلاعات در فرایند ایجاد قرارداد دانست. این دکتترین در ابتدا از آمریکا شروع شد و بعدها به تدریج مورد پذیرش برخی از کشورهای اروپایی قرار گرفت (۱۸). رضایت زمانی آگاهانه تلقی می‌شود که نخست طرفی که رضایت می‌دهد، آگاهی و اطلاع کافی و دقیق از ماهیت، نوع و دامنه خطر داشته باشد. دوم: طرفی که رضایت می‌دهد اطلاعات فوق را بفهمد و درک کند. بدین منظور اطلاعات باید در حد ممکن قابل فهم، روشن و خالی از ابهام باشد.

این دکتترین تنها زمانی قابل اعمال است که شرایط ذیل موجود باشد: رضایت در قانون به رسمیت شناخته شود. به عبارت دیگر رضایت نباید با اخلاق حسنه یا نظم عمومی در تعارض باشد؛ رضایت آزادانه و بر اساس اختیار صورت گیرد؛ رضایت توسط شخصی ابراز شود که اهلیت

سوءنیت را در مورد کسی که رفتار و گفتار صادقانه ندارد، بیان می‌کند. در فقه نیز تصریح، تدلیس و پوشاندن عیب، سوء نیت محسوب می‌شود و ضمانت اجرای آن بطلان و یا ایجاد حق فسخ است. (۲۲)

۳. منع شروط تحمیلی

دیدگاه سنتی در خصوص قراردادها این است که متعاقدين در شرایطی آزاد و نسبتاً برابر به مذاکره و چانه‌زنی راجع به مطلوبات خود از قرارداد پرداخته و در عین اینکه هر کدام منافعی متعارض با دیگری را تعقیب می‌کنند، سرانجام این دو نفع متعارض به نقطه قابل جمعی بر مبنای آزادی اراده می‌رسد. تجربه اما نشان داده، مقتضی آمیختگی تجارت با رقابت، تلاش در جهت تحصیل سود بیشتر و در نتیجه بر هم خوردن تعادل قراردادهاست طرف قدرتمند با سوءاستفاده از برتری و امتیازاتی همچون انحصار، دانش، جایگاه برتری مادی و... شرایط غیرمنصفانه مورد نظر خود را به طرف ضعیف‌تر تحمیل نموده و در نتیجه عدالت اجتماعی و اقتصادی را مخدوش می‌نماید. حوزه حقوق مصرف، یعنی قراردادهای بین فروشندگان و عرضه‌کنندگان متخصص کالا و خدمت با مصرف‌کنندگان فاقد تخصص، پهنه اصلی تجلی شروط تحمیلی است. این نابرابری مربوط به شروط ناعادلانه و تحمیلی که ریشه در توانایی و تخصص یکی از طرفین و سوءاستفاده او دارد (۲۴). شاید بتوان گفت که مفهوم شروط تحمیلی چیزی جز بکارگیری خاص «نظریه سوءاستفاده از حق» در مباحث قراردادی نمی‌باشد، بنابراین سوء استفاده از حق از طرف متخصصین همچون سایر افراد عادی مجاز نیست حتی اگر ارزیابی مسأله به یک شکل نباشد. بنابراین دکتربین سوءاستفاده از حق برای اجتناب از تجاوز و خودکامگی دارندگان حق مورد نیاز تمام نظام‌های حقوقی است بر این اساس با وجود اینکه نظام‌های حقوقی از لحاظ تاریخی، حق را مطلق و غیرقابل سوءاستفاده تصور کرده‌اند، سرانجام این موضوع مورد پذیرش قرار گرفته که باید برای اعمال حق، محدودیت‌هایی را در نظر گرفت (۲۵). و حقی که با سوءاستفاده به دست آید نباید اثری داشته باشد (۲۶).

۴. منع شروط مستثنی‌کننده

در تعریف این دسته از شروط گفته شده است عهدشکنی، به منظور تغییر نظام قانونی مسئولیت یا شرایط مطالبه آن به سود مدیون منعقد می‌شود. اینگونه توافقات، موازنه‌ای را که طرفین در پی دستیابی به آن بوده‌اند هدف قرار داده، موجب بروز خدشه در توازن قراردادی می‌شوند (۲۷). شروط محدودکننده یا معاف‌کننده از مسئولیت شروطی هستند که یک طرف قرارداد به استناد آنها خود را از تمام یا بخشی از مسئولیت مدنی می‌رهاند (۲۸). این شروط همواره شیوه‌ای سنتی و آسان برای فرار از مسئولیت بوده است و وضع محدودیت‌های قانونی بر این شروط سبب کاربست تدلیس و ایجاد تغییرات ظاهری برای گریختن از قواعد انصاف، عدالت و حمایت از طرف ضعیف گردیده است. اما علیرغم خطر بالای درج شروط عدم یا محدودکننده مسئولیت برای زیاندیدگان، نظر به اصل آزادی اراده و نقش شروط مزبور در توزیع خطر به ویژه در حیطه تجارت و همچنین نقش آنها در کاهش قیمت محصولات و بیمه بی‌رویه مسئولیت‌ها و نیز لزوم تشویق تجارت به گسترش فعالیت‌های

اقتصادی و تجاری و به کارگیری فناوری جدید، باید پذیرفت که اینگونه شروط در حقوق مسئولیت مدنی صحیح است اما در حقوق مسئولیت تولید لزوم وضع قواعد حمایتی برای مصرف‌کنندگان به طور جدی احساس می‌شود، با این حال درج قواعد حمایتی زمانی کارآمد است که تولیدکننده و عرضه‌کننده نتواند با درج شروط محدود یا معاف‌کننده مسئولیت در قرارداد از حاکمیت اینگونه قواعد بگریزد (۲۹).

۵. منع شروط غیرمنصفانه

در نظام حقوقی ایران مبانی حقوقی قابل طرح به منظور مقابله با غیرمنصفانگی در حقوق کشورمان عبارتند از استناد به سوءاستفاده از وضعیت اضطراری، نظم عمومی، قاعده الضرر، سوءاستفاده از حق و حسن نیت که هر یک به نوبه خود می‌توانند بخشی از دشواری مقابله با غیرمنصفانگی را که ناشی از نقص مداخله تقنینی است، مرتفع نمایند و به مصرف‌کننده حق فسخ قرارداد را اعطا نمایند. روش‌های سنتی در شروط اخیر به منظور مقابله با غیرمنصفانگی همواره و در تمام دعاوی مطروحه آسان نبوده، تردیدی در ضرورت اعمال راهکارهای جدید از طریق مداخله قانونگذار و تصویب مقرراتی مستقل به منظور حمایت از طرف ضعیف قراردادی و حذف غیرمنصفانگی از گستره شروط قراردادی وجود ندارد (۳۰). در رابطه با مبانی قانونی رعایت انصاف علاوه بر مبانی غیرمستقیم از جمله مواد ۴۱۶ تا ۴۲۱ ق.م. که شرایط حصول و اعمال خیار غبن را بیان می‌کنند، قانون دریایی ۱۳۴۳ را می‌توان نام برد که نفوذ نظریه غیرمنصفانه بودن در حقوق ایران را به وضوح نشان می‌دهد. مطابق ماده ۱۷۹ این قانون: «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود»، امکان ابطال یا تغییر قراردادی را به دادگاه داده که حاوی شرایطی است که به تشخیص دادگاه دارای شرایط غیرعادلانه است (۳۱).

نتیجه‌گیری

مفهوم قرار داد معتبر در تحلیلی اقتصادی، علاوه بر اعتبار حقوقی در بر دارنده مفاهیمی چون برابری، عدالت، انصاف، حسن نیت و سایر اخلاقیات حسنه است که در صورت رعایت آنها، ثبات و قطعیت قرارداد تضمین خواهد شد. برای داشتن یک قرار داد متعادل می‌بایست اصول اخلاقی عدالت و انصاف مورد توجه قرار گیرد. عدالت و انصاف اقتضاء دارد که طرفین قرارداد در یک وضعیت منصفانه و متعادل، عقدی را ایجاد نمایند و به حقوق و تعهدات ناشی از آن پایبند باشند. کاستی‌های حقوق قراردادی که در آن اصل بر آزادی اراده است و عدالت معاوضی را برای قرارداد کافی می‌داند، نتیجه آن می‌شود که طرف قراردادی برتر با داشتن قدرت چانه زنی برتر و اعمال شروط غیرمنصفانه، قراردادی نامتقارن و نامتعادل انعقاد کند و قرارداد به طرز آشکاری غیرعادلانه و غیرمنصفانه باشد. بنابراین اقتضای عدالت توزیعی ایجاب می‌کند با دخالت دولت در این گونه قراردادها، توازن و تعادل را

واژه نامه

1. Social Conditions	شرایط اجتماعی
2. Economic Conditions	شرایط اقتصادی
3. Justice	عدالت
4. Distributive Justice	عدالت توزیعی
5. Principle of Fairness	اصل انصاف
6. Ethics	اخلاق
7. Ethical Factors	معیارهای اخلاقی
8. Philosophy of Ethics	فلسفه های اخلاقی
9. Applied Ethics	اخلاق کاربردی
10. Business Ethics	اخلاق تجاری
11. Trust	اعتماد
12. Contract Balance	تعادل قراردادی
13. Economic Balance	تعادل اقتصادی
14. Economic Inequality	نابرابری اقتصادی
15. Informed Consent	رضایت آگاهانه

به قرارداد بازگردد و با تصویب قوانین امری و با ضمانت اجراهای مناسب در مقابله با شروطی که منجر به غیرمنصفانه شدن و ناعادلانه شدن قرارداد می شود، تعادل و توازن را به قرارداد بازگرداند و از این طریق از طرف ضعیف قرارداد حمایت کند.

هدف نهایی شرط اعاده تعادل قراردادی، استمرار بخشیدن به رابطه ای قراردادی طرفین یک قرارداد بلند مدت با حفظ مستمر تعادل مالی و اقتصادی قراردادی است، چرا که مهمترین عامل عدم تمایل یکی از طرفین به تداوم قراردادی که بالقوه می تواند همچنان برای هر دو طرف سودآور باشد، برهم خوردن تعادلی است که در لحظه ای انعقاد قرارداد قاعدتاً وجود داشته و دیگر وجود ندارد. از مهم ترین راهکارهای اخلاقی ایجاد و حفظ تعادل قراردادی می توان به رضایت آگاهانه و ارائه اطلاعات، حسن نیت به عنوان یک تعهد اطلاعاتی در مقابل طرف دیگر قرارداد، منع شروط تحمیلی، منع شروط مستثنی کننده و منع شروط غیرمنصفانه اشاره کرد.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

References

1. Alizadeh A, Zamani M, Dadgar Y. An economic approach to morals in contract law. *Islamic Law*, 2022; 18(71): 253-282. (In Persian).
2. Mescher B. Business ethics and the law of contract. *Journal of Law and Financial Management*, 2009; 8(2): 8-12.
3. Joel L, McDowell B. The balance theory of contracts: seeking justice in voluntary obligations. 1st ed. USA: McGill LJ. 1983.
4. Sardouei Nasab M, Kazempour S J. Elements of contractual unconscionability. *The Judiciarys Law Journal*, 2011; 75(75): 37-73. doi: <https://doi.org/10.22106/ijl.2011.11076>
5. Tavassali Naini M, Behzadipour S. Economic imbalance of contract and prediction of hardship clause in international contracts. *Civil Law Knowledge*, 2016; 5(1): 1-10. Dor: [20.1001.1.23221712.1395.5.1.1.1](https://doi.org/10.1001.1.23221712.1395.5.1.1.1)
6. Sharifi S E, Safari N. A comparative study of the theory of the hardship and force majeure in PECL, UNIDROIT Principles and Iranian Law. *CLR* 2013; 17 (4): 107-128. Dor: [20.1001.1.22516751.1392.17.4.6.1](https://doi.org/10.1001.1.22516751.1392.17.4.6.1)
7. Moradi A, Saberian A. Ethics and excuse in contract execution in Iranian civil & commercial law. *Int. J. Ethics Soc* 2021; 3 (1): 1-8. Doi: [10.52547/ijethics.3.1.1](https://doi.org/10.52547/ijethics.3.1.1)
8. Tajik A, Khoeini G, Khazaei A, Shafiei H. The role of ethics in civil liability focusing on the principles of carrier's civil liability (A philosophical-ethical study). *Int. J. Ethics Soc* 2021; 3 (2): 16-26. Doi: [10.52547/ijethics.3.2.16](https://doi.org/10.52547/ijethics.3.2.16)
9. Hasan Al-khorani S, Jafarzadeh S, Nikkhah Sarnaghi R. The role of good faith and ethics in international trade agreements and their implementation. *Ethics in Science and Technology* 2024; 18 (4): 51-55. Dor: [20.1001.1.22517634.1402.18.4.7.0](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1402.18.4.7.0)
10. Thal SN. The inequality of bargaining power doctrine: the problem of defining contractual unfairness. *Oxford J. Legal Stud*. 1988; 8(1): 17-33.
11. Katoozian N. General theory of obligations. 7th ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2014. (In Persian).
12. Bahrani Ahmadi H. Abuse of the right to comparative study in Islamic law and other legal systems. 1st ed. Tehran: Etelaat Publication. 1991. (In Persian).
13. Edward C. Freedom of contract and fundamental fairness for individual parties: the tug of war continues. *Faculty Publications*, 2009; 77(3).
14. Ben-Shahar O. One-way contracts: consumer protection without law. *European Review of Contract Law*, 2010; 6(3). Doi: <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1484928>
15. Katoozian N. The limits on freedom of contract based on consumer protection. *Law Quarterly*, 2008; 38(3). Dor: [20.1001.1.25885618.1387.38.3.17.8](https://doi.org/10.1001.1.25885618.1387.38.3.17.8)
16. Asadi A, Parsapour M B. The protection of weaker contractual party by constitutional rights. *Private Law Research*, 2018; 6(23): 9-38. doi: <https://doi.org/10.22054/jplr.2017.18224.1463>
17. Solène R. The new French law of contract. *International & Comparative Law Quarterly*, 2017; 66(4): 805-831
18. Lotfi E. From informed consent to knowingly choosing: a study on the commitment to information delivery in physician- patient relationship. *MLJ* 2009; 3 (11): 39-73.
19. Safarian H, Shidaeiyan Arani M. Ethics and law: the place of fairness in fair proceedings. *Int. J. Ethics Soc* 2024; 5 (4): 15-25. Doi: [10.22034/ijethics.5.4.15](https://doi.org/10.22034/ijethics.5.4.15)
20. Ghasemi Hamed A. A brief overview of the theory of the obligation to provide information in the contract from the point of view of French law. *Bar Association*, 2002; 11(1). (In Persian).

21. Asghari Aghmashhadi F, Abouei H R. The good faith in the performance of a contract under english law and iranian law. Law Quarterly, 2010; 40(2). Dor: [20.1001.1.25885618.1389.40.2.1.4](https://doi.org/10.1001.1.25885618.1389.40.2.1.4)
22. Katouzian N, Abbaszadeh M. Good faith in iranian law. Law Quarterly, 2013; 43(3): 167-186. doi: [10.22059/JLQ.2013.36048](https://doi.org/10.22059/JLQ.2013.36048)
23. Bariklou A, Khazaei S A. The good faith principle and its legal consequences in the pre - contractual stage; a comparative study in the UK and French law. The Judiciary Law Journal, 2011; 75(76): 53-87. doi: <https://doi.org/10.22106/jlj.2011.11069>
24. Doagoei M M, Mohammadi Z. Imposed conditions in auto industry contracts. Jurisprudential Foundations of Islamic law, 2013; 7(2): 65-89. (In Persian).
25. Moeini H, Ghasemipoor S. Doctorin of misuse of right in the literary and artistic property. MLJ 2013; 6 :187-208.
26. Hajinouri G. Return of balance to the theory of abuse of right. Jurisprudence and Islamic Law, 2016; 6(11): 143-166. (In persian).
27. Eesaei Tafreshi M, Shirvani K, Abeen A. Exclusion clauses in contractual liability (Comparative Study in Jurisprudence, Iranian Law and English Law). CLR 2017; 21 (4) :109-132. Dor: [20.1001.1.22516751.1396.21.4.2.5](https://doi.org/20.1001.1.22516751.1396.21.4.2.5)
28. Gotanda J. Renegotiation and adaptation clauses in investment contracts, revisited. Journal of Transnational Law, 2003; 36: 1461-1475.
29. Sornarajah M. Supremacy of the renegotiation clause in international contracts. J. Int'l Arb. 1988; 5: 97-108
30. Kosha A. The principle of maximum good faith in insurance transactions and a glimpse of it in other contracts and agreements. Legal Perspectives, 2005; 36: 49-69
31. Bagheri M, Rahmani S. Consumer credit protection in the banking system. Legal Research Quarterly, 2021; 23(92): 43-70. doi: <https://doi.org/10.22034/JLR.2020.165881.1309>